

## بسم الله الرحمن الرحيم

تأملی در باره اولویت داشتن همکاری با کانون دانش‌آموختگان دانشگاه امام صادق علیه السلام

ارائه شده در گردهمایی بزرگ دانش‌آموختگان دانشگاه امام صادق علیه السلام - ۷ شهریور ۱۳۹۸

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على محمد خير المرسلين و آله الطيبين

برای این حقیر مایه مسرت است که در این گردهمایی پرشکوه بتوانم چند دقیقه‌ای صحبت کنم. در آغاز سخن وظیفه می‌دانم یاد استاد فرزانه مرحوم آیت‌الله مهدوی کنی رحمه الله علیه که این دانشگاه از باقیات صالحات ایشان است یاد کنم و به روح پرفتوحش درود بفرستم و نیز یاد شهیدان گرانقدر دانشگاه و نیز درگذشتگان از استادان و دانشجویان و دانش‌آموختگان را گرامی بدارم و طول عمر همراه با عرض خدمت و ثمربخشی برای دست‌اندرکاران قدیم و جدید دانشگاه را از خدای بزرگ و مهربان بخواهم و به صورت ویژه برای سلامت و بقای عمر استاد همه ما حضرت آیت‌الله باقری کنی دامت برکاته دعا کنم.

امثال ما، هر چند دانش‌آموخته این دانشگاه هستیم و چندی در آن به خدمت هم مشغول بوده‌ایم، به دلیل دور بودن از فضای دانشگاه، اجازه اظهار نظر در باره مسائل داخلی آن را به خود نمی‌دهیم. اما نمی‌توانیم امیدها و نگرانی‌ها و پیگیری‌های خود را در باره نقش کلان این دانشگاه در منظومه نهادهای آموزش عالی و در سطح کشور پنهان کنیم.

دانش‌آموختگان دانشگاه امام صادق علیه السلام همچون هر نهاد آموزشی دیگر اصلی‌ترین محصول و دستاورد و معیار ارزیابی دانشگاه و از جمله مهمترین کنشگران تحقق نقش‌آفرینی دانشگاه در عرصه‌های مختلف داخلی و خارجی کشور هستند و از این منظر راه‌اندازی کانون دانش‌آموختگان از سوی برخی از دوستان عزیز، اقدامی ستودنی و شایسته سپاس است، و البته از سر احتیاط باید گفت داوری در باره چگونگی فعالیت‌های این کانون هنوز زود است. بی‌تردید به هر اندازه که این کانون در جلب اعتماد دانش‌آموختگان کامیاب‌تر باشد، توان آن برای به انجام رساندن برنامه‌های خود به صورت مضاعف افزوده خواهد شد.

بدون اغراق از وقتی که از سوی برادر عزیزمان حضرت حجت الاسلام و المسلمین آقای میرلوحی تکلیف سخن گفتن در این گردهمایی به دوش بنده گذاشته شد تا چند ساعت پیش سخت مردد بودم که چه بگویم و چه می توان گفت و چه باید گفت؟ انتخاب یک موضوع در باره پیشینه دانشگاه و راهی که پیموده است و ارزیابی آن و سنجش موقعیت کنونی دانشگاه به ویژه از منظر بازتولید مفهوم و گستره و شاخصهای دیندارانه زیستن فردی و اجتماعی در جهان کنونی و پیش رو کار دشواری نبود، اما این روش انتخاب موضوع، برای زدودن تردید بنده کفایت نمی کرد.

این تردید که زمینه ها و پیش فرضهای خاص خود را دارد به این پرسش در باره کانون راه می برد که آیا واقعاً راه اندازی کانون و عضویت در آن و همکاری با آن می تواند یک اقدام دارای اولویت برای ما باشد؟ این که این نوع کارها بالاخره و اجمالاً ثمراتی دارد و بودن آنها بهتر از نبودنش است محل شک و بحث نیست. و این درست است که حفظ دوستی با عزیزانی که سالها و در یکی از درخشان ترین برشهای زندگی با هم بوده ایم فی نفسه ارزشمند است، آن گونه که مولی الموحدین در حکمت ۱۲ نهج البلاغه فرمود: *أَعْجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ اكْتِسَابِ الْأَخْوَانِ، وَأَعْجَزُ مِنْهُ مَنْ ضَيَّعَ مَنْ ظَفَرَ بِهِ مِنْهُمْ* و از دست دادن این دوستان دوست داشتنی به مصداق حکمت ۶۵ غربت و حس بیگانگی به دنبال دارد: *فَقَدْ الْأَحَبَّ غُرْبَهُ* (کلمه قصار ۶۵)، ولی آیا به راستی حفظ این دوستی، نیاز به راه اندازی یک سازمان دارد؟ همان گونه که عرض کردم اهمیت این پرسش وقتی معلوم می شود که در مقام اولویت سنجی قرار بگیریم و بخواهیم کانون و مایتعلق به را با دیگر کارهایی که هر یک از ما بدان مشغولیم مقایسه کنیم. کدام یک از کارهای ما به گونه ای است که در مقایسه با کارهای کانون اهمیت کمتری دارد و ما ترجیح می دهیم آن را رها کنیم و به جای آن با کانون همکاری کنیم؟

اگر تجربه های تلخ سیاست زدگی را هم که مرور کنیم بر شدت و غلظت این پرسش افزوده می شود. پنهان نمی کنم که قلبا مایل بودم این گردهمایی هم سال آینده و یا پس از برگزاری انتخابات مجلس برگزار می شد. چه بسیار فعالیتهایی از این دست که کلمه حق و عمل حق هستند ولی بعدها معلوم می شود که یراد بها الرأی و المجلس و المنصب.

به هر حال پرسش بنده این بود که این کانون و همکاری با آن که حتما خوب است، چه اولویتی دارد؟ به عبارت دیگر در چه شرایطی کانون در حالتی قرار می گیرد که ما در مقام مقایسه آن با دیگر فعالیتهایمان،

احساس وظیفه خواهیم که بخشی از کارهایمان ولو اندک را کنار بگذاریم و به جای آن قدمی هم برای کانون و برنامه‌ها و اهداف آن برداریم؟ و اگر قرار باشد پیشنهادی در این زمینه بدهیم این پیشنهاد کدام است؟

قبلا و نیز در مراسمی که انجمن پیشین فارغ التحصیلان برای مرحوم آیت‌الله مهدوی کنی برگزار کرده بود عرض کرده بودم که نخستین درسی که از مرحوم آیت‌الله مهدوی کنی گرفتم و هنوز به عنوان یک درس و رمز مهم، از آن در مواجهه با مسائل مختلف بهره می‌برم این بود که در هر جا که هستید حس میهمان بودن نداشته باشید، بلکه حس صاحبخانه بودن داشته باشید، اشکالات و چالشها و کاستی‌ها را ببینید ولی به جای فقط نقد کردن و زیر سوال بردن و ایجاد تردید کردن برای برطرف کردن آنها هم بکوشید و پیشنهاد بدهید. ارائه پیشنهادی که می‌خواهم تقدیم کنم بر اساس چنین نگاهی به مسأله است.

یکی از مهمترین پرسشهایی که امروزه در سطوح مختلف به ویژه سطح نخبگانی با آن روبرو هستیم، این است که: "چه باید کرد؟"، این پرسش، ریشه در یک تحلیل و پیش‌فرض در باره چهل و یک سال عمر نظام مقدس اسلامی ما دارد که اکنون نمی‌خواهم به آن پردازم، ولی بنده هم سخت بر این باورم که پرسش "چه باید کرد؟" یکی از چند پرسش مهم و بنیادی کنونی ماست. این پرسش مهم که شاید نخستین بار لنین در سال ۱۹۰۱ م. و یا پیش از او یک رمان‌نویس روسی، اثری با همین نام نوشت و در دهه‌های اخیر هم مرحوم شریعتی اثری با همین عنوان پدید آورد، همچنان اهمیت خود را حفظ کرده است و شایسته توجه و پاسخ است. به نظر بنده این پرسش از آن پایه از اهمیت برخوردار است که جا دارد زاویه نگاه ما به مسائل کنونی کشورمان از دریچه پاسخ به آن بگذرد.

در حد جستجوی بنده، نقشه راه و برنامه‌های کانون هنوز اعلام نشده است ولی مطابق یکی از بندهای اساسنامه، "اندیشه‌ورزی و ارائه دیدگاه‌های علمی به مدیران و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی" یکی از اهداف کانون است.

کانون دانش‌آموختگان دانشگاه امام صادق علیه السلام با تکیه بر ظرفیتهایی که دارد می‌تواند از جمله نهادهایی باشد که به صورت مستقیم به این سوال پاسخ دهد و این کار را مثلا از طریق یک نظرسنجی از اعضای فرهیخته خود انجام دهد. اما به نظر می‌رسد روشی غیرمستقیم و آسان‌تر هم وجود دارد و آن برگزاری سنجیده و روش‌مند یک سلسله گفتگوها و هم‌اندیشی‌ها برای نشان دادن ابعاد مختلف چالشهای خرد و کلان کشور

و احتمالا راههای برون‌رفت از آن است. این درد را نمی‌توان پنهان داشت که متأسفانه و صد بار متأسفانه حتی تصور درستی از بسیاری از چالشهای خرد و کلان کنونی کشور نزد خیلی از متولیان و دست‌اندرکاران حل آن وجود ندارد. برگزاری گفتگو برای روشن ساختن ابعاد مختلف این چالشها و مسأله‌ها حداقل کاری است که کانون می‌تواند انجام دهد. ولی برای این که شعارهای بزرگ غیرقابل انجام و حرفهای شتابزده فاقد پشتوانه گفته نشود بنده به همین حداقل بسنده می‌کنم. دانش‌آموختگان دانشگاه امام صادق علیه السلام با تنوع قابل توجه و گریزناپذیر دیدگاههایشان و به ادله مختلفی که فرصت ذکر آن نیست، یکی از بهترین گروههایی هستند که اهلیت بحثهای پخته، غیرسیاست‌زده و آزاد و جسورانه در باره بسیاری از مسائل کشور را دارند.

به نظر بنده ورود کانون به این حیطه می‌تواند هم فضایی برای عینیت و تحقق بخشیدن به ظرفیتهای و استعدادهای دانش‌آموختگان فراهم آورد و هم وظیفه مصوب آن برای اندیشه‌ورزی و ارائه دیدگاه‌های علمی به مدیران و کارگزاران نظام را محقق سازد و مهمتر از این دو، الگویی باشد برای نشان دادن این که چگونه با وجود تنوع دیدگاهها و گرایشهای سیاسی می‌توان کنار هم نشست و به جای پنجه به روی هم کشیدن دست در دست هم نهاد و به این کشور مظلوم و نظام مظلوم و مردم مظلوم خدمت کرد. برگزاری و رواج دادن این نوع گفتگوها که تقریباً هزینه‌بر و نیازمند مقدمات پردردسر نیست ولی سودمندی آن بسیار است، به عنوان گام نخست می‌تواند برای کانون، اعتبار و جایگاهی کسب کند که همکاری با آن را به یک موضوع دارای اولویت تبدیل کند. وقتی احساس شود کانون حداقل نقش خود را برای خدمت به نظام به شکل درست انجام می‌دهد، آن گاه می‌توان به همکاری بیشتر با کانون فکر کرد. از یاد نبریم که کانون از منظر دینی هم وظیفه انتقال دانش انباشت شده اعضای خود به جامعه را دارد، آن گونه که امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرموده‌اند وظیفه صاحبان فکر و اندیشه و دانش برای انتقال این موهبت الهی به جامعه مقدم بر وظیفه مردم برای مراجعه به آنهاست: «مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى أَهْلِ الْجَهْلِ أَنْ يَتَعَلَّمُوا حَتَّى أَخَذَ عَلَى أَهْلِ الْعِلْمِ أَنْ يُعَلِّمُوا» (حکمت، ۴۷۸)

در پایان ضمن تشکر دوباره از عزیزان برگزارکننده این گردهمایی و از همه کسانی که شنیدن این عرایض حقیر را تحمل کردند، پیشنهاد دارم برای هر یک از دانش‌آموختگان یک وبلاگ اختصاصی در پایگاه رسمی کانون (مطابق الگویی که برخی پایگاهها دارند) تشکیل شود تا از این طریق نزدیکترین و قابل اعتمادترین روش برای شناخت دانش‌آموختگان از یکدیگر امکان‌پذیر شود.

و السلام عليكم و رحمه الله و بركاته